



## از نگاه فریدون ایل بیگی نوشته های سیاسی

آوردن این مطالب نه به معنای تائیدست و نه « تبلیغ » و نه ... تنها برای خواندنست و ...

# فریدون ایل بیگی: اسلام پرستر چه شرایط تاریخی بوجود آمد؟



از شماره آینده نشریه با فصل "تولد يك پيغمبر" بهمراه نویسنده کتاب "محمد"، به زندگی این مرد (یا بقول رودنسون: "این مرد نابغه") خواهیم پرداخت. ولی قبل از رسیدن به این فصل و فصل‌های بعدی کتاب که عمدتاً بزنگی پیغمبر اسلام اختصاص دارد، در همین جا لازمست به چند نکته اشاره کنیم که در طی این سلسله بررسی‌ها (شماره‌های ۲، ۴-۲ و ۵ اندیشه رهائی) کم و بیش به آنها توجه کرده‌ایم.

در شماره ۲ اندیشه رهائی، در مقدمه این سلسله مطالب (صفحات ۱۶۲-۱۵۴)، به يك مشکل عمده رودنسون اشاره کردیم و از جمله نوشتیم:

"ماکسیم رودنسون در کتاب "محمد" (و اصولاً در کلیه آثار خود)، شیوه برخورد ویژه‌ای دارد... ماکسیم رودنسون خود را دوست اعراب و مسلمانان می‌داند و در نتیجه، همواره می‌کوشد بنوعی بنویسد که احساسات مذهبی اعراب را جریحه‌دار نکنند... قبل از اینکه بروی يك حقیقت علمی یا واقعیت تاریخی انگشت گذارد پیشاپیش از مسلمانان عذر می‌خواهد و تاکید می‌کند که قصد امانت به اعتقادات مذهبی آنها را ندارد" (ص ۱۵۸).

در همانجا، ضمن بررسی دلایل این "احتیاط پیش از حد" و نیز ضمن اشاره بقول خودش به نوعی تحول فلسفی در او در فاصله چاپ دوم و سوم کتاب "محمد" (۱۹۷۴-۱۹۶۷) علی‌رغم همه اینها نوشتیم: از آنجا که رودنسون يك محقق است، بنابراین،



## روزانه ها

http://rouzaneha.org

اندیشه رهائی

۲۲۱

"وقتی يك محقق پای بند به متد علمی تحقیق، بخواهد ابعاد مختلف يك شخصیت تاریخی/مذهبی مانند محمد را تصویر کند، هر قدر هم "بی غرض"، "دارای حسن نیت" و "محتاط" باشد، نمی تواند دروغ های بی پایه، افسانه های ساخته و پرداخته شده و خرافات را بعنوان حقایق علمی و وقایع تاریخی قبول کند. نمی تواند درباره يك دین، يك پیغمبر و پیشوایان يك دین و کتاب آسمانی آن تحقیق کند و در عین حال، با تمامی بی غرضی، انصاف، احتیاط و حسن نیت عالم، مطمئن باشد که به "اعتقادات" یا به باورهای بی پایه، پیروان آن دین، "توهین" روا نداشته است" (ص ۱۵۹).

مشکل رودنسون مشکل واقعی يك محقق از نوع اوست، نه مشکل يك تحقیق علمی - "به فکر واداشته" شدن يك فرد "در مورد استمرار ایدئولوژی ها و جنبش های با پایه ایدئولوژیک" (همانجا، ص ۱۵۷) و تحول فلسفی در يك فرد، در مواردی می تواند به تضاد فلسفی منجر شود. رودنسون برای اینکه "دوست اعراب و مسلمین" جلوه کند، در يك عبارت، محمد را "مرد نابغه" می خواند ولی از آنجا که بهرحال يك محقق است نمی تواند به شقاوتها، به دروغ گوئی و شیردنگ بازی، به مصلحت اندیشی، به بی پرسنسی بودن، به زن پارگی و شهوت پرستی بی حد و مرز و بیمارگونه، به قدرت طلبی، به کینه توزی و به ارضاء يك عمر تحقیرشدگی و غیره او انگشت نگذارد (۴۴) - نمی تواند محمد بسیار متفاوت پس از تسخیر قدرت را تصویر نکند. رودنسون، در يك عبارت، ولخرجی نشان می دهد تا بتواند در صفحات متعدد، آن امتیاز را پس بگیرد و این "مرد نابغه" را تا حد يك نیمه دیوانه تنزل دهد. در مقدمه این سلسله مقالات، در اندیشه رهائی شماره ۰۲ نوشتیم:

"... با اینحال، همین نویسنده، با تفکر و متدولوژی علمی، با بررسی تطبیقی اسناد و مدارک تاریخی کم و بیش معتبر موجود، درباره زندگی و شخصیت پیغمبر اسلام به قضاوت



## روزانه ها

http://rouzaneha.org

اسلام در بچان چه ...

۲۳۲

می‌ششیدند، وقتی که زندگی محمد را با توجه به توالی علل و معلول، قدم به قدم از کودکی ... تا جوانی به همراه فقر و محرومیت‌ها، در پدری‌ها و سرگردانی‌ها را دنبال می‌کنند، وقتی که بعد از ازدواج با شریجه، علی‌رغم برخورداری از رفاه مادی، عقده‌های جنسی و روانی - از جمله "ایتر" بودن (۴۵) - او را تحلیل می‌کنند، نمی‌تواند به این نتیجه برسد که محمد در پشت ظاهری عاقل و ملایم و معتدل، مردی عصبی، تنبلی، آلود، مضطرب، تحقیر شده، جاه‌طلب و بلندپرواز مخفی بوده است و این حالات روانی غالباً تا حد بحران‌های شدید عصبی - به مفهوم بالینی عبارت - پیش می‌رفته و در یک کلمه، اگر مبتلا به مرض صرع بودن محمد (به گفته برخی از شرح حال نویسان او) را هم باور نکنیم، لااقل از نظر روانی نامتعادل و بیسار بوده است" (صفحات ۱۶۱-۱۶۰).

درباره محمد همه چیز می‌توان گفت: در عین آمی بودن بسیار ژیرک و پاهوش بود، سیاست باز ماهر بود، فرصت طلب بود، پراگماتیست بود، قبل از ماکیاول، ماکیاولیست بود، بیرحم و قه‌س‌القلب بود، قدرت پرست، ز بلندپرواز بود- بسیاری از صفات بد اعراب، بدوی را داشت و بسیاری از صفات خوب آن مردان خشن ولی ساده بادیه را داشت- محمد همه چیز بود، "ذایغه" نبود- قدرت‌گیری محمد در عربستان، باوریه که در مباحث گذشته به اشاره دیده‌ایم و در شماره‌های آینده به تفصیل خواهیم دید، زائیده شرایطی بود که رودسون در فصل "معرفی یک سرزمین" (که در شماره ۵ و همین شماره اندیشه رهائی دنبال کرده‌ایم)، ارائه داده است- بر این شرایط مساعد اجتماعی باید شرایط منطقه و بویژه عامل زور را اضافه کرد- گفته‌ایم و تکرار کنیم که محمد عربستان را به همان شیوه‌ای مسلمان کرد که خمینی ایران را (۴۶)- قبلاً دیده‌ایم که بمحض مرگ محمد، هنوز جنازه او پروی زمین افتاده بود که مدعیان جانشینی‌اش بچان هم افتادند- اعراب تازه مسلمان و "با رغبت بچاندین نجات بخش اسلام شتافته"، به ارتداد گرایشیدند و سرتاسر عربستان پرشد از "اهل رده" و پیامبران متعدد- شورش و

از نگاه فریدون ایل بیکی

info@rouzaneha.org



## روزانه ها

http://rouzaneha.org

اتدیشسه رهسائی

۲۲۲

"روح عصیان تقریبا در سراسر عربستان مجال جلوه یافت". اختلافات مدعیان جانشینی پیغمبر پهلور موقت کفار گذاشته شد. خطر بسیار شدید بود. اسلام داشت یکسره از دست میرفت. ابوبکر به خلافت انتخاب شد و اولین و مهمترین وظیفه خود را سرکوب و حشیانه این شورشها و عصیان ها دانست. "مورخ" یا دقیقتر اینکه افسانه نویسی پنهان عبدالحسین زرین کوب، در کتاب "بامداد اسلام" (۴۷) خود، ناخواسته، حقایقی در این زمینه را ارائه می‌دهد:

"... اما خلافت ابوبکر از اولین روزهای شروع مواجه شد با ارتداد اعراب. ارتداد کسانی که ادای زکات را نوعی باج به مدینه تلقی می‌کردند و از به جا آوردن نماز و خاکساری و ستایشگری که در آن نسبت به الله و رسول می‌شد ابا داشتند و ظاهرا این دو را - زکات و نماز - را برای خویش نوعی ذلت و به هر حال هر دو را خلاف مقتضای مروت عربی خویش می‌شمردند. ظهور و قوت مدعیان نبوت هم که مخصوصا از اواخر حیات پیغمبر عربستان را پر آشفته بود تکیه گاه این مرتدان شد. بعضی از این مرتدان نژد خلیفه پیغام فرستادند که نماز می‌خوانند اما زکات نمی‌دهند. بعضی دیگر گرد مدعیان نبوت فراز آمدند و از آشین محمد بیرون شدند. بدینگونه در فتنه اهل رده - که مدینه و خلافت را تهدید میکرد - هم دواعی دینی در کار بود هم اغراض سیاسی ... مقارن اوایل خلافت ابوبکر در شش جا این اهل رده در مقابل مدینه صف آرای می‌کردند از آن جمله در چهار جای کسانی که در راس مرتدان بودند خود دعوی نبوت داشتند... در جاهای دیگر هم اهل رده اگر چه برای اسلام مدعی تازه‌یی شتراشیدند لیکن از پرداخت زکات و از قبول کسانی که از مدینه جهت "جبایت" (۴۸) آن



<http://rouzaneha.org>

روزانه ها

۲۲۴

اسلام در بطن چه ...

فرستاده می شدند خودداری کردند سرکشی در برابر قدرت مدینه در واقع از اواخر عهد حیات پیغمبر شروع شده بود لیکن با وفات پیغمبر این روح عصیان تقریباً در سراسر عربستان مجال جلوه یافت. بدین گونه ابوبکر در آغاز خلافت از همه سوی با فتنه و عصیان مواجه شد. بسیاری از مسلمانان در آن روزها نگرانی و نومییدی خود را نشان می دادند... خوشبختی که ابوبکر در دفع فتنه اهل رده نشان داد اعراب را متوجه کرد که اسلام دیگر راه بازگشت به عهد جاهلی را بر آنها بسته است" (۴۹).

آنچه در صفحات قبیل در مورد مسلمان شدن مردم عربستان گفته شد، در مورد مردم سایر کشورهایی که به "استقبال دین نجات بخش اسلام شتافتند" نیز صادق است. در شماره ۴ - ۲ اندیشه رهائی، بعنوان نمونه، به اختصار دیده ایم که ایران تحت چه شرایطی و چگونه اسلامی شده. علاوه بر شکات اشاره شده در این سلسله مباحث یعنی شرایط اجتماعی/جهانی، عامل زور و سرکوب، مردم سرزمینهای اشغال شده توسط اعراب با یک مشکل اضافی نیز مواجه بوده اند: چسبندگی اقتصادی - جزیه (۵۰) -، پاری که برای اکثریت قریب به اتفاق مردم این متمسقات اسلامی - مردم فقیر و محروم -، طاقت فرسا و تحمل ناپذیر بود و مسلمان شدن و یا به "استقبال دین نجات بخش اسلام شتافتن" تنها راه نجات از آن.

پس برگردیم به "نبوغ" محمد یا به "نبوغ" خلفا و فرماندهان نظامی اسلام. علاوه بر آنچه در اینجا و نیز در مباحث گذشته گفته ایم، در تأکید و تأکید مجدد بر آنها، در پایان، نکته ای از گریشمن را نقل می کنیم. وقتی از پیروزی های اعراب بر ایران و بر سایر کشورها صحبت می کنند، بدرستی چنین می گویند:

<http://rouzaneha.org>

روزانه ها

۲۳۵

اندیشه رهائی

"اعراب پیروزی‌های خود را مدیون برتری سیاسی و شیوع استثنائی فرماندهان نظامی‌شان نمی‌ستند، به جهان آشور - در آسیا یا در اروپا و یا در آفریقا - مدیون‌اند، به جهانی که بخاطر جنگها (ی مستمر) از رمق افتاده بود، به جهانی که بدلیل نبردهای داخلی اجتماعی و مذهبی از درون منفجر شده بود، به جهانی فاتوان در مقابله با دشمنی یکپارچه، با انگیزه، فنائیت و مضم که ((بدلیل فوق)) پیشاپیش ((اسباب)) پیروزی را در اختیار داشت" (۵۱) -

### توضیحات

۱ - هلال حاصلخیز (Croissant fertile) به منطقه‌ای در آسیای باختری اطلاق می‌شد که نوار باریکی از شرق دریای مدیترانه (اسرائیل کنونی و لبنان) را در بر می‌گرفت، بطرف شمال (سوریه) گسترش می‌یافت، سپس بسوی جنوب شرقی (جلگه‌های دجله و فرات در عراق) کشانده می‌شد تا سرانجام به خلیج فارس پیوندد. این نامگذاری خصوصاً تاریخی، اشاره دارد به امپراطوریهای قدرتمند بابل، آشوری و فنیقی -

۲ - در اینجا منظور از "بین‌النهرین" مفهوم واقعی آن یعنی جلگه‌های واقع بین رود فرات و رود دجله است (و نه آنچه در صفحات قبیل از قول گزنفون دربار مصر آمده بود). در اینجا، در حد اشاره لازم به تذکر است که در قدیم، "بین‌النهرین"، گسترده‌ای بسیار وسیع‌تر از مفهوم کنونی آنرا در بر می‌گرفت -

۳ - همانطوریکه در شماره ۵ اندیشه رهائی (ص ۲۹۸) آمده است یکجانشین را در مقابل Sédentaire قرار داده‌ایم -

۴ - پراشتها همه جا از طرف ما اضافه شده است، مگر این که خلاف آن تذکر داده شود -

۵ \* - امرؤ القیس (Imrou L - Qays)، شاعر معروف عرب در معلقات ((معلقات جمع معلقه است - محمد معین در فرهنگ خود در باره



## روزانه ها

http://rouzaneha.org

۲۲۶

اسلام در بطن چه ...

معلقه چنین می‌نویسد: "هریک از هفت قصیده مهمی که در عهد جاهلیت بخانه کعبه آویخته بودند" (جلد سوم، ص ۲۲۲۸) قیس در لغت بمعنای ظالم و امروء القیس یعنی مرد ظالم پدر امروء القیس بدست افراد قبیله‌اش به قتل رسید و او وارث ریاست قبیله شد. اما وقتی که افراد قبیله سعی در کشتن او کردند پا به فرار گذاشت. علی‌رغم اطلاع از مظالم پدرش، مصمم به بازگشت، گرفتن انتقام و باز پس گرفتن قدرت شد. هنگام بازگشت بدست رازشانی که در تعقیبش بودند، به قتل رسید.

۶ - قیلا (در شماره ۴ - ۳ "اندیشه رهائی") دیده‌ایم که از یکطرف بدلیل قدرت گرفتن محمد و از طرف دیگر، بخاطر افول اقتدار ساسانیان، رهبر اعراب حیره (دست نشاده ساسانیان)، فرصت طلبانه اسلام آورد و باز در همانجا دیده‌ایم که حمله به ایران در زمان محمد آغاز شده بود ولی مرگ او در سال ۶۳۲، بدلیل مختلف - از جمله اختلاف بر سر جانشینی پیغمبر، به "ارتداد" کشیده شدن و به "دوران جاهلیت" تمایل پیدا کردن تعداد کثیری از قبایل عربستان، شورشها و عصیانهای مردم تقریباً سراسر عربستان علیه دین جدید و از اینجا، لزوم سرکوب این شورشها و عصیانها و دوباره "بدامان اسلام" برگرداندن مردم عربستان (در زمان ابوبکر) و بالاخره ارجحیت تسخیر سوریه -، مسئله حمله به ایران را مدتی به تاخیر انداخت. در حملات اعراب به ایران در زمان عمر، قبایل عرب ساکن حیره، دست نشاندگان پادشاهان ساسانی، باز بطوریکه در همانجا دیده‌ایم (از جمله در صفحات ۲۷۵ و ۲۹۰) نقش مهمی در پیروزی اعراب داشته‌اند.

۷ - وهرام (Vahram) تلفظ پهلوی بهرام است. منظور بهرام مشهور به بهرام گور پانزدهمین پادشاه ساسانی است که در سال ۴۲۱ میلادی به تخت سلطنت جلوس کرد. محمد معین در فرهنگ خود درباره او چنین می‌نویسد:

"وی در دربار متدور از پادشاهان عرب تربیت شد و بطوریکه مشهور است تاج سلطنت را از میان دو شیر ربود. این پادشاه تمامی ارمنستان را ضمیمه ایران ساخت و در ممالک تابعه آزادی مذهب داد" (جلد پنجم، ص ۳۰۲).

۸ - Phylarque، حاکم انتصابی یک منطقه. یک لقب اشرافی.



http://rouzaneha.org

روزانه ها

۲۲۷

اندیشه رهائی

۹ - Patrice ، يك لقب اشرافی و مادام العمر - پاتریس ها بعد از امپراطور، در ردیف اول امپراطوری قرار داشتند -

۱۰ - پیزانسی ها مسیحی، ارتودوکس بودند و مسیحیان منوفزیست (حیثی ها و غسانیان) را مرتد می دانستند و مسیحیان نستوری (مسیحیان ایران و حیره - لخمیان - یا کلیسای سوریه شرقی) را کافر می شمردند. مسیحیان اخیرالذکر (منوفزیست ها و نستوریان) همین اعتقاد را در مورد یکدیگر و درپاره مسیحیان ارتودوکس داشتند. دو امپراطوری بزرگ آن ایام، ایران (زرتشتی) و روم شرقی (مسیحی ارتودوکس)، هم بخاطر اینکه سدی در مقابل قلمرو خود از دسترس پلافاصله رقیب ایجاد کنند، هم بدلیل کسب پرتری در اقتصاد جهانی (جهان آسروز)، با اعرابی که دارای دین و مذهب متفاوتی بودند، علیه دشمن اصلی خود، متحد می شدند. البته ساسانیان غالباً منافع سیاسی و اقتصادی را بر ملاحظات ایدئولوژیک رجحان می دادند ولی امپراطوران پیزانس، همانطوریکه اشاره کرده ایم، مسیحیان غیر ارتودوکس را کافر و مرتد می شمردند و صدور مسیحیت به سراسر جهان را از اهداف اولیه خود می شمردند، با اینکه با مرتدان - غسانیان منوفزیست - به اجبار متحد می شدند و از آنها یاری می گرفتند. این کمندی یعنی قربانی کردن ایدئولوژی (آشهم يك ایدئولوژی بمثابة علت وجودی) در پای قدرت سیاسی، بتوعی یادآور کمندی رژیم خمینی است که برای صدور انقلاب اسلامی به سراسر جهان، از اسرائیل، "رژیم اشغالگر قدس، قیله مسلمین" و "دشمن اسلام" یاری می گیرد -

۱۱ \* - جابیا (Jabiya) - یکی از دهکده های جولان نزدیک قنیطره - این نام همچنین بروی یکی از دروازه های شهر قدیمی دمشق گذاشته شده بود (دروازه جابیه) و این دروازه اکنون در وسط شهر دمشق قرار دارد -

۱۲ - Jilliq

۱۳ - المنذر یا منذر پادشاه غسانیان با منذر پادشاه لخمیان، اشاره شده در صفحات قبل، اشتباه شود -

۱۴ \* - الرصافه، منطقه ای واقع در نزدیک شهر رقه، در شمال شرقی سوریه - هارون الرشید در این منطقه قصری بهین نام بنا نهاد و از آن بعنوان قصر تابستانی خود استفاده می کرد - این قصر هنوز پایرجاست و





## روزانه ها

http://rouzaneha.org

اسلام در بطن چه ...

۲۴۸

در معرض تماشای بازدید کنندگان-

۱۵ - این نظر البته نادرست نیست ولی غیر جامع و شاکامل است. آنچه بیژانسی‌ها می‌خواستند ("نشر مسیحیت"، تازه فقط نشر مذهب کاتولیک) یک چیز است، و آنچه سیاست (یا اقتصاد) به ایدئولوژی تحمیل می‌کرد (و می‌کند) یک چیز دیگر. قبلا دیده‌ایم که بیژانسی‌ها فقط بخاطر هدف سیاسی، با غماتیان متحد شدند چرا که باز در همانجا دیده‌ایم کاتولیک‌ها (بیژانسی‌ها) و منوفزیست‌ها (غماتیان) یکدیگر را کافر و ملحد و مرتد می‌شمردند و این تحمیل سیاست (یا اقتصاد) بر ایدئولوژی را همانطوریکه قبلا اشاره کرده‌ایم مثلا در رابطه رژیم اسلامی خمینی با اسرائیل نیز مشاهده می‌کنیم. مثال دیگری که رودسون در سطور بعد ارائه می‌دهد (در مورد حبشه)، با توجه به آنچه گذشت هم شاکامل و هم مغایر با بحث خود اوست. قبلا دیده‌ایم - و رودسون نیز بتوعی به آن اشاره دارد -، حبشی‌ها نیز منوفزیست بودند و این برای بیژانسی‌ها، از نقطه نظر ایدئولوژیک - نه سیاسی -، یک گناه کبیره و نابخشودنی بود. تنها چیزی که می‌تواند این "گناه کبیره" و این نوع "گناهان کبیره" را توجیه کند، پیشبرد اهداف مشخص سیاسی یا اقتصادی است.

۱۶ - Axoum

۱۷ \* - مصوع نام یکی از بنادر دریای سرخ در اریتره است. این بندر در شمال شرقی پایتخت کنونی اریتره، سمره، واقع شده است. اهمیت استراتژیک، آن بخاطر مشرف بودن به تنگه باب‌المندب است.

۱۸ - Nagashi

۱۹ - آریائی (Arien) یا آریائی Aryen - قوم آریا که در ایران و هند زندگی می‌کرد - اشتباه نشود. در عربی Arien را "اریوسی" می‌نویسند (نگاه کنید به المنهل، فرهنگ فرانسه - عربی، چاپ بیروت، ص ۶۷). آریانیسم (Arianisme - در عربی اریوسی) یکی از مذاهب مسیحیت بود که توسط کشیش آریوس (Arius)، ۲۸۰-۳۳۶ میلادی، بنا نهاده شد و منکر الوهیت مسیح بود. این مذهب توسط کنسلی نیمه در ۳۲۵ میلادی و سپس در کنسلی قسطنطنیه در ۳۸۱ محکوم شد و در کنسلی اول بود که کشیش آریوس بعنوان ارتداد به



## روزانه ها

<http://rouzaneha.org>

اندیشه رهائی

۲۲۹

مرگ محکوم گردید (مراجعه کنید به اندیشه رهائی، شماره اول، ص ۲۱۱).

با این که برخی از امپراطوران بیزانس مانند **کنستانس دوم** (۲۴۰-۲۱۷)، **والنس** (۲۷۸ - ۳۶۴) و **التیمین دوم** (۲۹۲ - ۲۷۱) از آریائیسیم حمایت کردند، با اینکه بنظر می‌رسد که در کنسپل‌های **سیرمیوم** (۵۹ - ۴۵۷) و **ریمیونی** (۳۵۹)، آریائیسیم پیروز شده است، با اینکه این مذهب در سرزمین گُل (Gaulle) و در متصرفات بربرها حاکمیت داشت با اینهمه، اکثریت قریب به اتفاق امپراطوران بیزانس با آن بمبارزه برخاستند و در سرکوب طرفداران آن کوشیدند. بالاخره آریائیسیم در قرن ششم میلادی شاپدید شد و مسیحیت ارتودوکس (کاتولیسیم) در همه جا حاکم گردید.

در همین جا اضافه کنیم، همانطوریکه در صفحات قبل پیوسته در زیرنویس شماره ۱۵ (در رابطه با "نشر مسیحیت") گفته‌ایم، شکته‌ای را که رودسون، در اینجا، در متن، به آن می‌پردازد، در تأیید نظر ماست. کنستانس نه طرفدار مسیحیت ارتودوکس بلکه حامی آریائیسیم بود و در همین رابطه نیز تئوفیل را به عربستان جنوبی فرستاد. کنستانس، مانند یکی دو امپراطور دیگر، استثنائاتی هستند در میان خیل امپراطوران روم شرقی که حامی مذهب رسمی، ارتودوکس، بودند و دشمن هرگونه "انحراف" از آن.

۲۰ - Abkarib As'ad

۲۱ \* - ذوریدان (Dhou Raydan)، نام قدیمی ظفار و عمان

۲۲ - پراتنز از متن اصلی است.

۲۳ - Yousseuf Ass'ar

۲۴ - Yath'ar

۲۵ - Procope (تولد اواخر قرن پنجم میلادی در فلسطین، مرگ حوالی سال ۵۶۲ در قسطنطنیه) - منشی پلپتور، امپراطور روم و مورخ زمان ژوستینین - از او آثار تاریخی چندی باقی مانده است از جمله "کتاب جنگ‌ها" که در آن، حیات مادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عصر خود را ترسیم می‌کند.

<http://rouzaneha.org>

روزانه ها

اسلام در بطن چه ...

۲۴۰

۲۶ - Cosmas معروف به Indicopleustes (کسی که بطرف سرزمین‌های هند سفر کرده است)، تاجر مصری (توضیح از فهرست "محمد"، اثر رودئسون، ص ۲۶۰) در پاره کوسماس در شماره‌های گذشته اندیشه رهائی، در همین سلسله مطالب، نیز سخن رفته است.

۲۷ - Al Ash'ar

۲۸ \* - مَخَا (Mokha) شهر کوچک بندری واقع در یمن شمالی کنونی. این شهر مشرف به باب المندب است. از این شهر قهوه یمنی صادر می‌شود که بهمین نام مشهور است. شهری بهمین نام در عربستان نیز وجود دارد و دلیل این نامگذاری یکسان، پستار می‌رسد این باشد که مردم این شهر به عربستان جنوبی رفته بودند و با بالعکس، از عربستان جنوبی به عربستان آمده‌اند.

۲۹ - همانطوریکه در صفحات قبل توضیح داده شد، نجاشی، لقب پادشاهان حبشه بود.

۳۰ - Soumyafa'

۳۱ \* - معد (Ma'add) نام یکی از قبائل عرب عدنانی است که ساکن عراق کنونی بوده‌اند. عده‌ای از افراد این قبیله در سراسر حجاز علیه ابرهه جنگیده‌اند.

۳۲ - ترجمه کامل این "سوره کنایه آمیز" یا افسانه - در بهترین حالت - فرصت طلبانه (این افسانه گویا در زمان محمد در عربستان رواج داشت و محمد فرصت طلبانه از آن بهره‌برداری و بعنوان "التفات عطا کردن خدا به قریش" به مردم قالب کرد) چنین است:

"آیا ندیدی که چگونه کرد پروردگار توبه اصحاب فیل (۲) آیا نگردانید مگر ایشان را در تباهی (۲) و فرستاد برای ایشان نوعی پرنده فوج فوج (۴) که می‌انداخت ایشان را بسنگی از سبیل (۵) پس گردانید ایشان را چون برگ خورده شده" (قران، چاپ کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۵۸، ص ۵۶۶) -

۳۳ - حزب (Parti) نه به مفهوم امروزی آن بلکه بمعنای گروه، دسته



http://rouzaneha.org

روزانه ها

۲۴۱

اندیشه رهائی

است- پیمان معنائی که در قرآن بعنوان "احزاب" (پویژه در سوره "الاحزاب") از آن صحبت می‌شود-

۲۴ - در این زمینه مراجعه شود به اندیشه رهائی، شماره ۴ - ۳، زیرنویس شماره ۹، ص ۲۸۴- در همین جا لازم به تذکر است که در سطر ۴ آن زیرنویس، تاریخ ۵۷۹ (نه آنطوری که چاپ شده: ۷۵۹) میلادی درست است که متأسفانه در غلط نامه‌های بعدی تصحیح شده بود-

۳۵ - Les Ptolémée ، بطلمیوسیان یا سلسله پتالسه، ۱۵ تن از افراد این سلسله که در بین سالهای ۲۲۳ تا ۳۰ قبل از میلاد، در مصر سلطنت کرده‌اند-

۳۶ - بلسان (Balsmier یا Baumier) درختچه‌ایست دارای ماده صمغی- درباره مشخصات و اشتقاقیات این گیاه مراجعه کنید به فرهنگ معین، جلد اول، ص ۵۶۷-

۳۷ - Palmyre "شهری مشهور در پیرالشام که آنرا تدمر(شهر نخل) نامند و اکنون دهکده‌ای ویران در سوریه است" (همانجا، همان جلد، ص ۳۲۸)-

۳۸ - Edesse "نامی که یونانیان بشهر "الربا" داده بودند و امروز آنرا "اورفا" نامند و آن شهر قدیم و پر ثروتی بود در بین‌النهرین شمالی" (همانجا، همان جلد، ص ۱۰۹)-

Wâdi L - Qora - ۳۹

۴- \* - عکاظ (Akâz) ، نام بازار مشهوری بود در نزدیکی مکه، انواع و اقسام دادوستدها و انواع و اقسام میادله کالاها در آن اشجام می‌شد- اما شهرت خاص این بازار، بخاطر شعرهایی بود که توسط مشهورترین شعرای دوره‌های قبل از اسلام در آن قرائت می‌شد- در این بازار مسابقات شعر خوانی(از پر خواندن شعرهای شاعران معروف) نیز رواج داشت- النابغه الذبیانی، طرفه بن العبد، حسان ابن ثابت، الخفساء، امرؤ القیس، عشتربن شداد، از مشهورترین شاعران عربی هستند که در این بازار شعر می‌خواندند-



http://rouzaneha.org

روزانه ها

اسلام در بطن چه ...

۲۴۲

۴۱ - Religions universalistes ، ادیان عام گرا یا عموم گرا  
 یا جهانی گرا ادیائی هستند که بجای يك قبیله، يك قوم، يك نژاد،  
 يك سرزمین خاص، عموم افراد بدون توجه به زبان، نژاد، سرزمین،  
 رنگ پوست و غیره را در برمی گیرند. این ادیان علی رغم عام بودن،  
 خاص و علی رغم عمومی بودن، فردی‌اند. رابطه فرد مومن با خدای خود،  
 يك رابطه فردی و وحدت جویانه است. از برجسته ترین نمونه های ادیان  
 عام گرا، مسیحیت (از قرن چهارم میلادی به بعد، زمانی که دگم های آن  
 بطور قطعی تدوین یافت) و اسلام را می توان نام برد.

۴۲ - بطوریکه در شماره های گذشته اندیشه رهائی اشاره کرده ایم، آنچه  
 در قرآن نیز درباره مسیحیت و یهودیت می آید تحت تاثیر همین امر،  
 اطلاعاتی دست چنم است و از شناخت نازل محمد از این ادیان حکایت  
 دارد.

۴۳ - توجه کنید این بحث مربوط به قبل از تولد محمد و پیدایش  
 اسلام است. ما در شماره ۵ اندیشه رهائی (پویژه در ضمیمه شماره ۲  
 تحت عنوان "اشاره ای گذرا به تحول چند تا پرستی به یکتاپرستی و  
 اشعکاسات ایدئولوژی یکتاپرستی و واحدگرایی در عرصه اجتماعی و  
 سیاسی")، ضمن توجه و تذکر به سقوط ادیان مسیحی، یهودی و زرتشتی،  
 قبل از ظهور اسلام، در عربستان، درباره این افسانه یا "نوآوری" محمد  
 در زمینه "یکتاپرستی" سخن گفته ایم.

۴۴ - کسانی که زندگی محمد و يك فرد مذهبی/سیاسی زمان ما، خمینی  
 را دنبال کنند، علی رغم پاره ای تفاوتها نمی توانند از شباهت های بسیار  
 این دو، در شگفت نمانند. بسیاری از خصایلی که در فوق درباره محمد  
 شمرده شد و یا در سطور زیر شمرده خواهد شد، در مورد خمینی هم  
 صادق است. خمینی (البته با دیدی کلا مغایر با نقطه نظر ما) غیر  
 مستقیم خود را بارها با محمد مقایسه کرده است و این مقایسه، از جهات  
 بسیار نادرست نیست. در مورد "نبوغ" محمد نیز می توان به فردی کم  
 و پیش شبیه او در زمان ما، به خمینی، مراجعه کرد و بطور خلاصه  
 گفت، محمد هماغقدر "نابغه" بود که خمینی و یا بالعکس.

۴۵ - درباره "ایتر" بودن محمد مراجعه کنید به زیر نویس صفحات  
 ۱۶۱ - ۱۶۰، اندیشه رهائی، شماره ۲.



http://rouzaneha.org

روزانه ها

۲۴۲

اندیشه رهائی

۴۶ - در این زمینه در شماره‌های گذشته بدفعات سخن گفته‌ایم. از جمله مراجعه کنید به اندیشه رهائی، شماره ۴ - ۲، صفحات ۲۷۰ - ۲۶۹.

۴۷ - درباره زرین کوب و کتاب "پامداد اسلام" او در مباحث قبلی بارها سخن گفته‌ایم. از جمله مراجعه کنید به یادداشت شماره ۲۱، صفحات ۲۹۰ - ۲۸۸، اندیشه رهائی، شماره ۴ - ۲.

۴۸ - جیبایت: "باچ گرفتن، خراج ستدن" (فرهنگ معین).

۴۹ - "پامداد اسلام"، تالیف دکتر عبدالحسین زرین کوب، امیر کبیر، چاپ پنجم، صفحات ۷۳ - ۷۱.

۵۰ - "جزیه (اصطلاح فقهی) عبارت از خراج روعس است و مقدرات مالی است که ((پیغمبر یا خلیفه یا)) امام مسلمین از سرانه کفار دریافت می‌دارد (از کشف، جلد اول، ص ۲۹۴ - از شرح لمعه، جلد اول، ص ۱۸۷) در "معتقد الامامیه" آمده است:

"و جزیت آن باشد که ایشان هر سال بدهند آنچه امام بر سر ایشان یا بر زمین‌های ایشان وضع کرده باشد، بر حسب آنچه مصلحت دیده باشد... و چون اسلام آورد و سال برگشته باشد جزیت از ایشان بیفتد و جزیت را بر ائصار مسلمانان صرف کنند... و چون بشروط جزیت قیام کنند و آن آنستکه با مسلمانان کفر ظاهر نگردانند، و محرمات را تناول نکنند، و مسلمانان را دشنام ندهند، و بر مسلمانان کسی را یاری نکنند و کلیسا و کنشت سازند، لازم باشد یاری کردن ایشان را- و اگر ترمرد آورد واجب بود قتال ایشان و غنیمت گیرند از هر که مخالف اسلام است... و امام را باشد پیش از قسمت غنیمت، اختیار کند آنچه خواهد و کس را بر وی اعتراض نباشد... و اگر پیش از فتح اسیری گیرند واجب بود کشتن وی- و اگر بعد از فتح باشد، امام مخیر بود میان آنکه رها کند یا بازفروشد یا بپندگی گیرد..." (بثقل از "فرهنگ معارف اسلامی"، جلد دوم، صفحات ۱۸۰ - ۱۷۹).

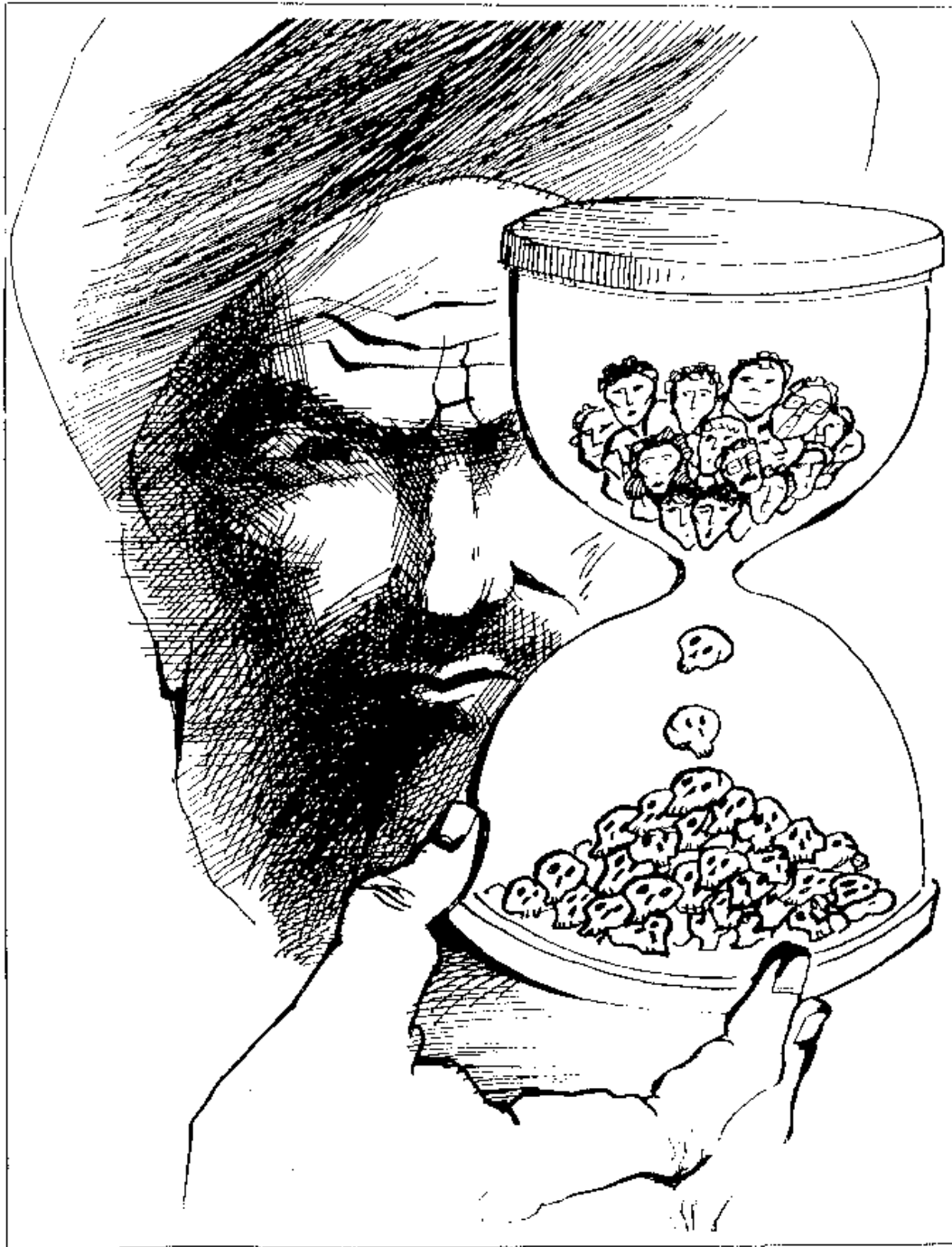
- ۵۱

L'Iran, des origines a L'islam, Roman Ghirshaman, Albin Michel, P.342.



<http://rouzaneha.org>

روزانه ها





<http://rouzaneha.org>

روزانه ها

